



شایستگی‌های مطلوب و آمادگی برای زندگی را ایجاد کند، مدرسه باید باشد؛ مدرسه‌ای با کیفیت مطلوب که مراتبی از حیات طیبه را آماده کند. در این مدرسه راستگویی، امانت‌داری، احترام به هم‌نوع و ظلم نکردن تجربه می‌شود.»

برخورد کریمانه

این استاد دانشگاه تربیت مدرس در ادامه‌ی سخنان خود به برخورد کریمانه‌ی آموزگاران هم اشاره کرد. او گفت: «اگر در دبستان یا مدرسه‌ای بنا بر این باشد که آموزگاران با بچه‌ها برخورد کریمانه داشته باشند و بچه‌ها این را حس کنند و به قول امام صادق (علیه‌السلام)، عمل در آن دیده شود» و بچه‌ها بگویند ما از اینکه به این مدرسه می‌رویم لذت می‌بریم، پس ما به مراتبی از هدف خود رسیده‌ایم. یکی از مدرسه‌ها، از دهه‌های پیش، بنا به کوشش مؤسس، شعارش راستگویی و صداقت بود. اگر هم می‌دید این ویژگی در کارکنان یا دانش‌آموزانش نیست، عذر فرد را می‌خواست.»

پرورش اخلاق

دکتر محمد حسینی یکی دیگر از سخنرانان جلسه بود. او به زمانی اشاره کرد که پرورش اخلاقی در برنامه‌ی درسی کشورهای غربی بود. کلیسا در آن نقش داشت، اما با ورود دولت‌ها، این نقش و برنامه کم‌رنگ شد.

وی افزود: «به دور از مسائل مذهبی، البته با وجود کلیسا، به نوعی نظم اجتماعی در سایه‌ی پرورش اخلاقی هم برخورد می‌کردیم. پستالوزی در مدرسه‌های تحت نظر خود آن قدر نقش‌های ویژه‌ی اخلاقی و اجتماعی وارد کرده بود که اطرافیان به او «پدر» می‌گفتند. این در اثر به وجود آمدن رابطه‌ای معنوی با دانش‌آموزان بود. از

پالایشگاه صالح

بررسی مدرسه در تراز سند تحول بنیادین

مدرسه در نظام تعلیم و تربیت عمومی نهادی است که مردم می‌توانند با آن تعامل کنند. در واقع، مدرسه جلوه‌ی عینی تربیت عمومی برای مردم است. اما این نهاد با در نظر گرفتن مبانی نظری تعریف فوق، مدرسه‌ای است که صفتی مانند کلمه‌ی «سالم» یا «صالح» را به دنبال داشته باشد. مدرسه‌ی صالح مصالح جامعه را در نظر خواهد گرفت. دکتر محمد حسینی، سرپرست پژوهشکده‌ی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی و دکتر علیرضا صادق‌زاده قمصری، استاد دانشگاه تربیت مدرس، تعریف مدرسه و مدرسه‌ی صالح در تراز سند تحول و آنچه را جامعه‌ی ما می‌طلبد، در این نشست تبیین و تشریح کرده‌اند.

مدرسه‌ی صالح و حیات طیبه

دکتر علیرضا صادق‌زاده قمصری در ابتدای توضیحات خود گفت: «در دنیا هم درباره‌ی مدرسه‌ی خوب یا دوست‌داشتنی کارهایی انجام شده است، اما از نظر ما باید حدود آن را در سند تحول بنیادین جست‌وجو کرد. ایده‌ی کل این است که مهم‌ترین عنصر مدرسه‌ی صالح در عبارت کلیدی «حیات طیبه» نهفته است. حیات طیبه مفهومی انتزاعی است، اما رسیدن به مراتبی از آن تحقق‌پذیر است. اگر بخواهیم آمادگی برای حیات طیبه را هدف تربیت رسمی در نظر بگیریم، باید مدرسه‌ی صالح داشته باشیم. حیات طیبه تجربه‌ی زیسته می‌خواهد. مدرسه‌ی مطلوب و صالح جایی است که تجربه‌ی زیسته‌ی مراتبی از حیات طیبه در آن تجربه می‌شود.

آنچه باعث می‌شود دانش‌آموزان به سمت حیات طیبه بیایند، تجربه‌ی زیسته‌ی آن‌هاست که در خانواده و مدرسه به وقوع می‌پیوندد. پس در آغاز مواجهه‌ی بچه‌ها با شکل رسمی تربیت، باید مدرسه را محلی معرفی و تمهید کنیم که فضا و محل آن آماده‌ی تجربه‌ی زیسته و انگیزه دادن باشد. با این تعریف و تعبیر، وجود مدرسه ضرورت می‌یابد. بنابراین، زعم اینجانب، در مقابل کسانی که از «مرگ مدرسه» سخن گفته‌اند، عرض می‌کنم تا وقتی مردم برای تربیت فرزندان خود به جایی مانند مدرسه نیاز دارند که



ملاک‌ها و معیارهای مدرسه‌ی صالح

دکتر محمد حسینی در ارتباط با معیارهای مدرسه‌ی صالح افزود: «فراهم کردن موقعیتی مناسب و تا حدی برنامه‌ریزی شده برای تجربه‌ی حیات طیبه، از ملاک‌های مدرسه‌ی صالح یا مطلوب است. لزومی ندارد دانش‌آموزان برای این آمادگی با توفانی از اطلاعات بمباران شوند. بچه‌ها باید ارزش‌های جامعه را تجربه و با این تجربه آن را درونی کنند. مدرسه‌ی امروزی باید منطق خود را تغییر دهد تا به نیازهای روز جواب دهد. در عین حال، توان کارکردهای علمی را هم داشته باشد. بدون آماده کردن آن شرایط عام مناسب، کارکردهای علمی در مدرسه تأثیر کمتری دارند.

برای نمونه، دو مورد از **کولبرگ** را عرض می‌کنم. او در مرحله‌ی اول در مدرسه وارد حوزه‌ی تربیت اخلاقی شد. در کلاس معمای اخلاقی طرح می‌کرد و درباره‌ی آن با بچه‌ها بحث می‌کرد تا به رشد اخلاقی و عمل اخلاقی دست یابند. در مرحله‌ی بعد، تجربه‌های خود را در چند کشور دیگر بیان کرد. این مدل «مدرسه‌های اجتماع عادل» نام داشت. منطق کار او این بود که بافت اجتماعی مدرسه را اصلاح می‌کرد. در این صورت، وقتی دانش‌آموز وارد این محیط می‌شد، عدالت، اخلاق و زندگی اخلاقی را تجربه می‌کرد. در چنین وضعیتی، پیشرفت تحصیلی نیز قطعی بود. در طرح‌های او، معلم و دانش‌آموز عضو فعال این مدرسه‌ی ساختارمند بودند.

یافته‌های کولبرگ نشان می‌دهند بچه‌های مدرسه‌های ابداعی او در مناطق محروم نیویورک، در سال‌های بعد حتی به کالج راه یافتند. در طراحی سؤالات تیمز و پرلز هم بر این امر باور دارند که پیشرفت تحصیلی در خلأ رخ نمی‌دهد. بنابراین، برخی سؤالات به بافت اخلاقی مدرسه ناظرند. آیا در مدرسه تهدید یا تحقیر وجود دارد؟ بی‌نظمی چگونه؟

این طریق بود که درس‌خواندگان در مدرسه‌ها به کسب وجهه‌ی اجتماعی و کسب و کار موفق می‌شدند. به تدریج می‌بینیم که قلب ماهیت اتفاق می‌افتد و مدرسه نهادی در خدمت توسعه‌ی اقتصادی جامعه می‌شود. این است که نقش معنوی و اخلاقی در مدرسه کم‌رنگ می‌شود. در جامعه و ادبیات گذشته‌ی ما هم بزرگ‌ترها می‌گفتند بچه‌ها باید به مدرسه بروند تا صاحب کار، حرفه و اثرگذاری شوند، از نظر آنان، این یک فرصت بود تا با تحرک اجتماعی به تغییر طبقه‌ی اجتماعی رسید. برنامه‌ی درسی دهه‌های اول قرن سیزدهم نشان می‌دهد این جریان اتفاق افتاده و زمانی مدرسه تأثیرگذار بوده است. من در مدارک باقی مانده دیده‌ام که شورای عالی معارف سرفصل درس مستقل اخلاق را مصوب کرده بود. اما در زمان‌های بعد، این درس در دل درس‌های فارسی و دینی وارد شد.»

شاخص‌های مدرسه‌ی صالح

مدرسه باید حمایت‌کننده‌ی دانش‌آموز باشد. متناسب‌سازی تجربه‌ها با سطح رشد دانش‌آموزان هماهنگ باشد. در بحث حمایتی، شرایط مدرسه باید طوری باشد که تمرکز آن بر شش‌ساحت حیات طیبه، به‌طور معتدل انجام پذیرد. یکی از مشکلات مدرسه‌های ما تکیه بر ساحت علمی است. مراقبت از دیگر ویژگی‌های مدرسه‌ی صالح است که به پالایش کردن محیط مدرسه از عناصر منفی در جامعه ناظر است. به هر صورت، ما توان سترون کردن مدرسه از مشکلات را نداریم. اگر چنین امری تحقق پذیرد، مدرسه مانند گلخانه‌ای می‌شود که آثار تربیتی آن روی بچه‌ها کمتر دوام خواهد آورد. مدرسه باید جایی امن برای یادگیری باشد. امنیت روانی بعد دیگری از بحث پالایش و مراقبت است.

بی‌نقشی مدرسه

سرپرست پژوهشکده‌ی برنامه‌ریزی درسی ادامه داد: «زمانی مدرسه برای تشخیص دادن بود، اما الان بی‌نقشی دیده می‌شود. منطق می‌گوید باید درباره‌ی نقش مدرسه بازنگری کرد. مدرسه باید برای خودش هویت پیدا کند. در سند تحول این موضوع بیان شده است. از این دیدگاه، مدرسه استقلال و هویت دارد و این را اولیای مدرسه، دانش‌آموزان و جامعه‌ی محلی می‌سازند. در جوامعی که به سرعت در حال صنعتی شدن بودند، یکی از نظرات پیشرو اما قدیمی در ایجاد مدرسه‌ی پاسخگو، نظریه‌ی **دیویی** در زمینه‌ی مدرسه‌ی زندگی بود. او می‌گفت: «در مدرسه نباید فقط اطلاعات به بچه‌ها منتقل شود. آن‌ها باید برای زندگی در جامعه‌ای پیچیده آماده شوند. بچه‌ها را برای آینده آماده کنیم. آن‌ها باید زندگی را در مدرسه تجربه کنند.»